



جمع یا عدم جمع مدرنیته با دین / دین سنتی با مدرنیته قابل جمع نیست

یک استاد گروه فلسفه دانشگاه ادیان و مذاهب قم بر این باور است: وقتی گوهر دین را اخلاق می گیرند دین در این صورت منافاتی با تفکر مدرن و مدرنیته ندارد.

یک استاد گروه فلسفه دانشگاه ادیان و مذاهب قم بر این باور است: وقتی گوهر دین را اخلاق می گیرند دین در این صورت منافاتی با تفکر مدرن و مدرنیته ندارد. اما اگر دین را به معنای سنتی آن یعنی همان چیزی که در تاریخ ادیان است در مسیحیت در اسلام پایبندی به یکسری آداب و آئین های سنتی و تعبدی بگیریم کاملاً دین با تفکر مدرن و مدرنیته منافات دارد و ایندو با هم جمع نمی شوند. به گزارش خبرنگار مهر، برخی متفکران مکتب نوسازی (مدرنیزاسیون) معتقد هستند که سکولاریسم و مدرنیته دست در دست همدیگر دارند و با یکدیگر پیوند دارند این در حالی است که تجربه مدرنیزاسیون در برخی کشورها حتماً ملازم با سکولاریسم نبوده است.

دکتر حسن قنبری استاد گروه فلسفه دانشگاه ادیان و مذاهب قم در خصوص این مسئله و نسبت میان مدرنیته و سکولاریسم به خبرنگار مهر گفت: سکولاریسم پیامد مدرنیته است. یعنی ایندو را نمی توان از هم تفکیک کرد. وقتی که تفکر مدرن مطرح شد و بدنبالش مدرنیته آمد و مسائل و آثار مربوط به خودش را به بار آورد یکی از نتایج مدرنیته یا تفکر مدرن سکولاریسم شد. در حوزه علم، ساینسیسم و علم گرایی سکولاریسم یکی از نتایج مدرنیته است در حوزه اجتماع، حکومت یا همان سیاست سکولاریسم یکی از پیامدهای مدرنیته دانسته می شود.

وی افزود: برای اینکه مبنای اساسی مدرنیته و تفکر مدرن توجه به عقل و عقل گرایی است به این معنا که هر آنچه که عقل می گوید یا در تعبیرات فلسفی می گوئیم عقل دکارتی، عقل مدرن هر آنچه که عقل مدرن یا عقل دکارتی می گوید قابل سنجش باشد آنها می گویند در حوزه علم است و معنا دار است و هر آن چیزی که عقل یا عقل مدرن نتواند مقایسه و آن را ارزیابی کند در حوزه معنا، بی معنا است. این معنای اساسی مدرن و مدرنیزاسیون است.

این محقق و پژوهشگر حوزه فرهنگ و فلسفه ادامه داد: این تعریف در همه حوزه ها سرایت می کند در حوزه اجتماع و حکومت هم همین معنا جاری می شود. وقتی همین معنا جاری بشود به سکولاریسم یعنی اداره جامعه در حوزه های مختلف فرهنگ، سیاست و اقتصاد و در همه حوزه هایی که جامعه را اداره کنیم می رسد. این عقل است که حاکم می شود و هر آنچه که غیر از عقل باشد در تفکر مدرن نفی می شود. اگر همین معنا را برای سکولاریسم تلقی کنیم درواقع عرفی گرایی و توجه به عقل و توجه به تفکر مدرن در همه حوزه ها سرایت می کند و حاصل آن سکولاریسم می شود. برای همین است وقتی گفته شد مدرنیسم و سکولاریسم تفکیک ناپذیر از هم هستند دیدگاه درستی است.

این محقق و پژوهشگر مسائل فرهنگی درمورد اینکه آیا باورهای دینی و مذهبی مردم یک جامعه، مانعی برای مدرنیزاسیون محسوب می شود اظهارداشت: اگر مدرنیته را به شکلی که تعریف کردم در نظر بگیریم تفکر دینی را باز باید تعریف کنیم. برای مثال خود متفکران مدرنیته در تفکر غرب اکثرشان قائل به این هستند که در میان انسان های مدرن و تفکر مدرن منافاتی با دین وجود ندارد. اما بستگی به چیزی دارد که متفکران مدرن ارائه می دهند. برای مثال الهیات جدید مسیحی که بنیانگذارش شلایر ماخر است می گوید تعریفی که من از دین می کنم با مدرنیته جمع می شود دین چیست؟ دین تجربه دینی است دین درواقع باور دینی در جامعه دینی است یا وقتی جلوتر می آییم برخی متفکران می گویند گوهر دین اخلاق است.

این استاد گروه فلسفه دانشگاه ادیان و مذاهب قم درپایان گفت: وقتی گوهر دین را اخلاق می گیرند تعریفی جدید از دین ارائه می دهد. دین در این صورت منافاتی با تفکر مدرن و مدرنیته ندارد. اما اگر دین را به معنای سنتی آن یعنی همان چیزی که در تاریخ ادیان است در مسیحیت در اسلام پایبندی به یکسری آداب و آئین های سنتی و حالا در جامعه ما گفته می شود تعبدی اگر اینچنین معنا کنیم کاملاً دین با تفکر مدرن و مدرنیته منافات دارد و ایندو با هم جمع نمی شوند.